

مذاکره نشده از طرف کمیسیون خارجه ساکت بودم این مطلب وقتی که بکمیسیون خارجه رجوع شد فقط توانست که در ملیت آنها رأی بدهد این بود که اینجا گفته شد از سویس خواسته شود در آنجا با کثرت رأی داده شد که از سویس خواسته شود حالا اگر معاون نظریاتی داشته باشند در این رأی ممکن است بگویند تا نظریات مجلس معلوم شود .

**معاون وزارت پست و تلگراف** - بله این مطلب که از طرف وزارت پیشنهاد شد فقط برای یک اجازه بود که بتواند وزارت داخل مذاکره شود از یک مملکتی که دارای لوازم و شرایط این است باشد و لوازم جریان امور این اداره و ترتیبات انتظام این اداره را دارا باشد پنج نفر مستخدم را بیاورد و همین طور که فرمودند چون در کمیسیون خارجه اول بملیت اینها رأی داده شده است و چنانچه در آن کمیسیون ملاحظه فرمودند تقاضای وزارت دو محل بود و لا بد وزارت هم در این دو محل یک نظریاتی داشته حال کمیسیون یک محل مخصوص کرده رأی قطعی داده اند و بعد از اینکه این لایحه تقدیم مجلس شد وزارتخانه من غیر رسم با بعضی از مجله ها داخل مذاکره شد غیر از این محلی که اینجا معین شده است و بنده گمان میکنم که در این موضوع اگر چنانچه برگردد بکمیسیون و آن نظریاتی که حاصل شده است تقدیم کمیسیون شود شاید یک کاری شده باشد که بتواند آنرا ختم کرد و طوری باشد که طرف مقابل هم بتواند بپذیرد و بنظر بنده گویا بهتر باشد .

**مقین السلطنه** - با ترتیبی که آقای معاون اظهار میفرمایند بنده مانعی نمی بینم که از حیث ملیت آنها بکمیسیون برگردد که مجدداً یک مذاکره شود مسلم است باز آنجا توضیحات خواهند داد و بالاخره هر چه نظر کمیسیون بود در رأی دادند راپورت داده خواهد شد ولی از دو جهت دیگر که مدت کثرت و مبلغ است اگر بخواهند مذاکره بکنند مانعی نخواهد بود .

**رئیس** - پس اول در راپورت کمیسیون بودجه راجع بمبلغ حرف میزنیم .

**معاون وزارت پست و تلگراف** - بنده گمان میکنم بعد از این که مخبر کمیسیون خارجه تقاضا کردند که برگردد بکمیسیون پس بهتر این است که آن توضیحی که داده شد و آن مذاکرات غیر رسمیه که داخل مذاکره شده ایم در خصوص مبلغ هم مذاکره کرده ایم در آنجا تعیین مبلغ هم تا یک اندازه بدست ما خواهد آمد و بدون اینکه یک میزانی بدست ما بیاید گمان میکنم صلاحیت نداشته باشد که در مبلغ حرف بزنیم پس گمان میکنم بهتر این است که برای ملیت برود بکمیسیون بودجه که در آنجا مذاکره شود و نتیجه را بیاوریم بمجلس تا اینکه کمیسیون بودجه هم از روی یک بصیرتی و اطلاعات کاملی رأی بدهند و راپورت بدهند .

**شهبانی** - بنده در کمیسیون بودجه هستم و در کمیسیون فوائد عامه هم بودم و مذاکراتی که شد است مسبق هستم و کاملاً ملتفت شدم و عقیده خودم را عرض میکنم مآداً اینکه سوء ظنی داشته باشیم و بخواهیم در جزئیات مطالب وارد شویم هیچ وقت نمیتوانیم نتیجه بگیریم یک پیشنهادی میکنند و یک اعتباری میخواهند بعد از آن این اعتبار را باید بوزیر داد با کمال حمیمیت .

**رئیس** - شما مخالف هستید ؟

**شهبانی** - بله مخالف هستم با راپورت و میگویم پیشنهاد وزیر را که ۶۶۰۰۰ فرانک است قبول میکنم .

**حاج شیخ علی خراسانی** - بنده عقیده ام این بود که اول باید در راپورت کمیسیون بودجه مذاکره شود تا یک اعتباری وزیر برای خودش اخذ نکند چگونه استخدام خواهد کرد البته نظر مجلس بهمان نقاط است که اظهار شده است که از سویس چون مناسب این کار است خواهند خواست که بکنند یا نه فر مستخدم بیاورد در کمیسیون بودجه که این راپورت مطرح شد و مذاکره شد نظر معاون وزارت پست و تلگراف بر این بود که ۶۶۰۰۰ فرانک اعتبار داده شود کمیسیون بودجه نظر بیودجه مملکتی کرد همچو صلاح دانست که یک مستخدمی آورده باشد که موجب او کمتر باشد و اینها دادن مقدار یک وزیر پیشنهاد کرده بودند کم کرد نسبت بمدیگر کل ۴۰۰۰ فرانک کم کرد و نسبت باعضای یکی ۳۰۰۰ فرانک کم کرد و گفتند این اعتباری است داده میشود بوزارت خانه بآن تفصیلی که نوشته شده است اخل مذاکره شوند و مستخدم بیاورند بعد غیر از آن در محلی که پیشنهاد کرده بودند بایک محل دیگری هم مذاکره شد ولی بنده هیچ مانعی نمی بینم در اینکه این اعتبار داده شود و این یک اعتباری است که داده میشود بوزارت پست و تلگراف از برای دخول در مذاکره و اما بعد از مذاکره بچه مقداری قطع خواهد شد باز پیشنهاد مجلس میشود و اینکه درجه محل مستخدم میشوند البته مذاکره خواهد شد و تا این اعتبار داده نشود چگونه وزارت پست و تلگراف میتواند داخل مذاکره شود بعد از اینکه نظر مجلس را معطوف باین استخدام دید و دید بودجه مخارج و حقوق آنها تصویب کرده است یعنی آن اعتبار را تصویب کرده است داخل مذاکره میشود و از محلی لابد مستخدم خواهند کرد که البته نظر مجلس به همان نقاط است که اظهار شده که از سویس چون مناسب است اینکار هسته خواهند خواست .

**رئیس** - دو مرتبه ماده را بخوانید .  
( مجدداً ماده واحده قرائت شد )

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده آقایان اینکه موافقت ورقه سفید خواهند انداخت آقایان که مخالف هستند ورقه کبود خواهند داد .  
( در این موقع شروع باخت آراء گردید و آقای حاج میرزا رضاخان اوراق رأی را باین عده احصا نموده ورقه سفید ۳۲ ورقه کبود ۳ )

**رئیس** - راپورت کمیسیون بودجه تصویب نشد راپورت کمیسیون خارجه را که مسترد کردند بر میگردد بکمیسیون خاطر آقایان را متذکر میکنم که در جلسه قبل آقای حاج آقا تقاضای کمیسیونی کرده بودند قبل از آنکه تشریف ببرید اعضاء آن کمیسیون را انتخاب بفرمائید و اعضاء کمیسیون شش نفر خواهد بود در جلسه آتی هم چیزی نداریم که در دستور بگذاریم .

( چند نفر اظهار کردند راپورت کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه انتخابات را جزء دستور بگذارید )  
**رئیس** - کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه

انتخابات رأی نداده است مگر اینکه یکی از آقایان پیشنهادی بکنند در آن رأی بگیریم ( بعضی اظهار کردند که پیشنهاد میکنیم ) .

**رئیس** - دستور جلسه آتی راپورت کمیسیون انتخابات و راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بهم وراثت که حقوقشان کمتر از دو تومان است عجالتاً همین دو مسئله جزء دستور است تا بعداً اگر چیزی رسید جزء دستور میگذاریم .  
( در این موقع که یک ربع قبل از ظهر است رئیس حرکت کرده مجلس ختم شد ) .

### جلسه ۲۶۷

### صورت مشروح روز شنبه ۴ شهر رجب المرجب ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر افتتاح و پس از یک ربع بریاست نایب رئیس آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان رسماً تشکیل شد

صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای آقامیرزا ابراهیم خان قرائت نمود

غائبین روز پنجشنبه - حاج وکیل الرعایا - ناصر الاسلام - حاج امام جمعه - آقا سید حسن مدرس بدون اجازه - آقا شیخ رضا - آدینه محمدخان - ادیب التجار - با اجازه غائب بود - افتخار الواعظین نیم ساعت - میرزا یانس چهل دقیقه از حضور در وقت مقرر تأخیر نمودند .

**نایب رئیس** - آقای ادیب التجار در صورت مجلس ملاحظاتی داشتید ؟

**ادیب التجار** - بنده قبل از دستور عرض دارم در صورت مجلس عرضی ندارم .

**نایب رئیس** - آقای آقا سید حسین اردبیلی راجع بصورت مجلس ملاحظه داشتید ؟

**آقا سید حسین اردبیلی** - در خصوص جوابی که میبایستی بخراسان و همدان مخبره شود شرحی بنده عرض کردم در صورت مجلس اشاره بآن نشده است دیگر در خصوص جواب تلگراف اردبیل آنچه بنظر بنده میآید گویا قرار بر این شد که کمیسیون داخله با وزیر داخله مذاکره بکنند و جوابی بنویسند که در این جلسه قرائت بشود .

**نایب رئیس** - آن مطلب اول صحیح است و نوشته میشود ولی آن مطلب ثانی چون دیروز جمعه بود مجلس نشد از این جهت بجلسه آتی راجع میشود .

**ارباب کیخسرو** - ایراد بنده هم همان بود که آقای آقا سید حسین اردبیلی راجع بجواب تلگراف اردبیل فرمودند و اینکه مجلس نبود دلیل نمیشود که در صورت مجلس جزء دستور قید نشده باشد آنچه اینجا جزء دستور میشود باید در صورت مجلس قید شود .

**آقا میرزا ابراهیم خان** - در مسئله تلگراف اردبیل مقید بجلسه آتی نشد قرار شد که کمیسیون داخله با وزیر داخله در این باب مذاکراتشان را بکنند و بعد از نوشتن راپورت جزء دستور بشود

**نایب رئیس** - چون آقای شریف العلماء امر و تشریف آورده اند مقدم ایشان را لا خیلی تبریک میگوئیم و ثانیاً چون بموجب قانون اساسی باید مراسم تحلیف را بعمل بیاورند تا اینکه مطابق قانون بتوانند داخل مذاکرات بشوند از این جهت

قرآن را میآورند و باید قسم یادکنند (در این موقع کلام الله مجید را آقای حاج میرزا رضا خان مجلس آورده عموم حضار تعظیماً قیام نموده پس از آن آقای شریف العلماء نماینده مازندران بکری نطق آمده مطابق اصل یازدهم قانون اساسی قسم یاد نموده ورقه قسم نامه را امضاء نمودند)

**نایب رئیس** - دستور امروز قانون انتخابات است **ادب التجار** - بنده قبل از دستور اجازه خواسته بودم

**نایب رئیس** - همینطور که تقاضا کرده اید خوانده میشود.

(دایورت کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات ببارت ذیل قرائت شد)

کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات در غره ربیع الثانی منعقد و قریب (۲۸) جلسه با فوق العادها انعقاد یافت در این جلسات تمام مواد نظامنامه انتخابات را از تحت نظر گذرانیده و در هر ماده که نظر جدیدی برای اعضاء کمیسیون حاصل بود پس از ذکر دلایل با کثرت رأی کمیسیون اتخاذ گردید و همچنین در خصوص حوزه بندی ها موافق نظریات جدید رأی اکثریت بتوسعه حوزهها و افزایش عده و کلاه تحصیل شد اخیراً در چند جلسه مسئله طریق انتخابات در یک درجه و دو درجه مطرح بحث شد و در این موضوع هم پنج جلسه کامل مذاکرات و مباحثات طولانی بعمل آمد آراء کمیسیون در این خصوص به نوع توجه یافت رأی بعضی مطلقاً هر یک درجه و بعضی دیگر مطلقاً بردو درجه بود و بعضی معتقد بتفصیل گشتند باین معنی که شهرها و اماکن که حق انتخاب یکوکیل بیشتر دارند یکدرجه و نقاط دیگر که بواسطه بعد مسافت و کمی جمعیت حق یک وکیل را ندارند بلکه باید بضمیمه چند نقطه دیگر از میان خود انتخاب وکیل بکنند درباره آنها بدو درجه اعتقاد داشتند چون آراء در این خصوص مختلف بود اکثریت قاطعی نمیشد لهذا در جلسه ۲۳ جمعی الثانیه تمام دوازده نفر اعضاء کمیسیون حضور بهم رسانیده موافق شرح ذیل کسب رأی شد

قائلین یکدرجه مطلقاً ( ۴ ) رأی قائلین بدو درجه مطلقاً ( ۵ ) رأی قائلین بتفصیل ۳ رأی چون در این خصوص اکثریت تمام حاصل نگشت و مسئله بنای اصلی اکثر مواد دیگر نظامنامه انتخابات بوده اورا محض اهمیت مسئله کمیسیون نمیتوانست قبل از کسب رأی مجلس در این مسئله راپورت مواد دیگر را تقدیم کنند باین است که فقط راپورت این ماده عمده را تقدیم داشت تا پس از تفصیل رأی مجلس راپورت سایر مواد را متناسب بنا نظر مجلس تقدیم دارد.

**نایب رئیس** - بطوریکه ملاحظه فرمودید کمیسیون نظامنامه انتخابات در اینجا رأی اظهار نکرده است و فقط سه رأی اینجا اظهار شده است یک درجه و دودرجه و قائلین بتفصیل حالا آقایان باید ملاحظه موافق و مخالف را در این سه فقره بکنند

**حاج شیخ اسدالله** - چون در این باب کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات یک رأی قطعی نداده است از این جهت بنده قبلاً که داخل مذاکره بشوم پیشنهادی

کرده ام و داده ام خدمت آقای نایب رئیس و خواننده میشود عقیده بنده این است که چون بتفصیل که خیلی واهر بنظر میآید برای اینکه یک قانونی را که وضع میکنند برای یک مملکتی نظر باصل مطلب و اساس میکنند و اگر نظر اشخاص که عقیده بانتخابات مستقیم دارند تصویب شد دیگر تفصیل ندارد و اگر هم در شد باز تفصیل معنی ندارد و برای بعضی ملاحظاتی کدر باره بعضی از قراء و قضاات هست نمیتوان قائل بتفصیل شدو یک قانونی را از هم تجزیه کرد پس باید مذاکره فقط در انتخابات بطور مستقیم و غیر مستقیم کرد برای اینکه قبول بتفصیل را بنده به هیچ وجه قابل مذاکره نمی دانم و عقیده بنده این است که باید انتخابات کلیه مستقیم یکدرجه باشد چرا برای اینکه غیر مستقیم اگر بنا باشد انتخاب بشود بنده انتخابات غیر مستقیم و انتخاب دو درجه را مخالف با قانون اساسی و مخالف اساس مشروطیت میدانم حالا چطور مخالف با اساس مشروطیت میدانم باین دلیل که فرض از مشروطیت و سلطنت مشروطه سلطنت ملی و حاکمیت اکثریت ملت است و حاکمیت اکثریت ملت یعنی اکثر ازم ملت عده را نماینده و وکیل خود بنمایند و بمجلس شورای ملی بفرستند و زمام این سلطنت و حکومت را بدست آنها بسپارند برای اینکه مسلم است که همان قسمیکه مکرر صحبت شده است و همه میدانند در خصوص انتخابات امکان ندارد که تمام مملکت یا یک ایالتی و ولایتی اتفاق بکنند در این باب یک نفر البته آراء هم مختلف میشود و در صورت اختلاف آراء هم حاکمیت مطابق اصل مشروطیت با اکثریت ملت است و اکثریت ملت هر کس را انتخاب کرد او نماینده دو درجه زیر یا می رود برای اینکه ممکن است در ایالتی و ولایتی یک نفر از درجه اولش بده هزار رأی انتخاب بشود و بعد عده کثیری هم در ضمن انتخاب شوند بقیه صد رأی و صدوسی رأی و از این قرار بسآراء مختلف و چون در انتخاب درجه اول است اکثریت نسبی را هم که ما کافی میدانیم آن وقت آن کسیکه بعد رأی انتخاب شده است با آنکس که بده هزار رأی انتخاب شده است در درجه اول در یک ردیف هستند و باید در درجه ثانی حاضر بشوند و نماینده انتخاب بکنند و بعد از آنکه این عده از منتخبین حاضر شدند از برای انتخاب ثانی ممکن است که بعضی از ملاحظات شخصی وبعد از اسباب چنینها این دهمزار رأیی که بده هزار رأی در درجه اول انتخاب شده است مغلوب اقلیت و آن عده که بعد صدوسی رأی انتخاب شده اند واقع بشود یعنی در درجه ثانی آن صدرائی انتخاب بشود و آن دهمزار رأیی که اکثریت داشته است انتخاب نشود و بعد از آنکه اینطور شد آنوقت نه اقلیت حکومت پیدا کرده است نه اکثریت بجهت اینکه اکثریت ملت با آن کسی بود که بده هزار رأی انتخاب شده است و نظرشان باینست که آن شخص باید بمجلس و حق حاکمیت آنها را بدست بگیرد و این نقشه غرض شده است یعنی آن ده مغلوب صدرائی شده است آنوقت این صدرائی بچه عنوان میآید در مجلس و کالت میکند و زمام حکومت و سلطنت ملی را که اساس آن برای اکثریت ملت

است بدست میگیرد از این جهت است که بنده این را مخالف اساس مشروطیت میدانم و بعضی از محظورات و مواعی را که در اینجا ملاحظه میشود که مثلاً اگر هر آینه انتخابات یکدرجه بشود آنزوم تولید اشکال میکند آن ها را بنده بهیچوجه مانع نمیدانم برای اینکه بعضی از آقایان شنیده ام که میفرمایند انتخابات دو درجه سبب میشود که اشخاص لایق بصیر عالم تر انتخاب میشوند بجهت اینکه ملت آن علمی که باید داشته باشد و آن قسمی که باید بی بحقوق خودش برده باشد نبرده است و بسا هست که اشخاص را درجه اول انتخاب میکنند که لیاقت انتخاب شدن را نداشته باشد و در این صورت در درجه ثانی آن وقت کاندیداتر میشوند و آن اشخاص که لایق هستند انتخاب خواهند شد بنده عرض میکنم که این غلط است و اگر یک نفری از طرف ملت با کثرت منتخب شد هر چه بی علم باشد و ملی را دارد و وکیل ملت است ولو این که بی علم باشد و از وجود آن یک نفری که وجه ملی دارد بیشتر میتوان استفاده کرد تا آن یک نفر عالی که لابد وجه ملی را دارد نیست و بهمین دلیلی که میفرمایند که هنوز ملت بی بحقوق خود نبرده است بنده عرض میکنم که انتخابات باید مستقیم باشد تا اینکه آن وکیلیکه از آن ها بمجلس میآید از طرف اکثریت آن ها انتخاب شده باشد و او نماینده آنها باشد یا اینکه از آن خودشان شوائی داشته باشند و برای اینکه ملت گوش بجرف آن یک نفر عالی که آمده است بمجلس نمیدهد و لابد نمیتوانیم از وجود او استفاده بکنیم علاوه بر این اینکه میفرمایند در انتخاب درجه ثانی ثانی مردمان عالمتر و بصیر تر بمجلس می آیند این اشتباه است برای اینکه در انتخاب ثانی که تقلب میشود یک تقلب در درجه اول یک تقلب در درجه ثانی بجهت اینکه آن اشخاصی که در انتخابات میتوانند تقلب بکنند خیلی برای آن ها تقلب در درجه ثانی سهل تر است برای این که اگر شخصی بخواهد در درجه اول تقلب بکند باید ده هزار نفر یا پنجهزار نفر را با خود بکند و این تقریباً غیر ممکن است ولی در درجه ثانی ده نفر یا بیست نفر را یا تطمیع پول یا تهدید یا خود همراه کردن نسبتاً خیلی سهل تر و آسان تر است و آن وقت این مطلب سلب میشود که آن اشخاصی که صاحب نفوذ هستند وکیل بشوند و آن اشخاصی که دارای وجه ملی میباشند انتخاب میشوند و بنده این ترتیب و کالت را هیچ صحیح نمیدانم و بطوری که عرض کردم بر خلاف مشروطیت میدانم علاوه بر این یک چیز دیگری را که میفرمایند که انتخابات مستقیم غلط است و باید غیر مستقیم باشد ( معزز الملک - کسی نگفته است ) دفع دخل بقدر آن است قلت قلت اگر کسی بگوید در بعضی جاها انتخابات یکدرجه ممکن نیست بنده عرض میکنم خیلی سهل و آسان است و مانعی هم ندارد اما در مرکز ایالت و ولایت که هیچ اشکالی برای اینکه ملاحظه میفرمایند کمیسیون انتخابات رأی داده است و حوزه ها را زیاد کرده است و این یک قدری کار را سهل کرده است و این که میفرمایند که فلان بلوک یا در فلان محلیکه در جزء ایالت است چطور وکیل انتخاب میکنند این اشکال در این صورت دارد

نخواهد شد بجهت این که آن وقت در همان شهر ایالت یا ولایت انجمن نظار منعقد میشود و از اطراف میآیند رأی خودشان را میدهند با کثرت وکیل انتخاب میکنند هیچ اشکالی هم ندارد برای این که یادربایجان که حق انتخاب بیست یا سی نفر وکیل میدهند تمام آن ها را که مجبور نیستند بیایند در تبریز انتخاب بکنند ده نفرش را در مرکز تبریز یا جاهای دیگر است انتخاب میکنند ده نفرش را در اردبیل و باقی را در شهرها قضاات و بلوکات انتخاب میکنند و تمام افراد بحق خودشان رسیده اند ولی اگر انتخاب را دو درجه قرار بدهیم اغلب شهرهای جزء و قضاات از انتخاب محروم میشوند و اغلب و کلاه از مرکز تعیین میشوند و آن ها بیکه از اطراف در درجه اول انتخاب میشوند در مرتبه ثانی منتخب نخواهند شد و در ایس باب یک درجه این اشکال را نخواهیم داشت که یک جمعی را از حقوق ملیشان محروم کرده باشیم علاوه بر این اگر در بعضی از بلوکات فرض کردیم که ممکن نشود که انجمن نظار منعقد بشود در آن صورت هم بنظر بنده چندان اشکال ندارد بجهت این که اگر آن میشود محل اطمینان و اعتمادات در صورت یک درجه بودن هم ممکن است که انتخابات را بعمل بیآورد باین ترتیب که در یک نقطه که انجمن نظار منعقد شد بتوسط یک صندوق رأی را ترتیب میدهند و میرند در دهات و بلوکات و در تمام جاها و نقاط میگردانند و از تمام افرادی میگردانند و اگر محل اعتماد نیستند و میگردانند که ممکن است در وقتی که صندوق را میگردانند تقلب بکنند بنده عرض میکنم که این احتمال در انتخابات در دودرجه هم داده میشود و این تقلب را در همان وقت هم ممکن است بکنند حالا زیاد بر این عرض نمیکنم و دلایل بر انتخابات یکدرجه و بطلان انتخابات دودرجه خیلی دارم عجالتاً بهمین قدر از عرایض خودم اکتفاء میکنم و باقی دلایل خود را میگذارم از برای مداخله در مقابل اشخاصی که بعد از بنده اظهار مخالفت میکنند و منکر انتخابات یکدرجه هستند .

**نایب رئیس** - پیشنهادی است که آقای حاج شیخ اسدالله راجع بهمین بیاناتی که کردند داده اند و یک پیشنهادی هم آقای بهجت باین مضمون کرده اند هر دو خوانده میشود و بعد بطریق مخالف و موافق در آنها مذاکره میکنیم ( بترتیب ذیل قرائت شد ) ( ۱ ) از طرف آقای حاج شیخ اسدالله بنده پیشنهاد میکنم که در نظامنامه انتخابات نوشته شود .  
ماده واحده - انتخابات در تمام مملکت ایران بطور یکدرجه و مستقیم خواهد بود ۲ از طرف آقای بهجت چون کمیسیون انتخابات بطور قطعی در کیفیت انتخابات رأی نداده لهذا ماده ذیل را پیشنهاد میکنم که در جزء قانون انتخابات قید بود  
ماده - انتخابات نمایندگان برای مجلس مقدس در تمام مملکت ایران بطور مستقیم خواهد بود  
**بهجت** - اجازه بفرمایند توضیحی راجع باصلاح عبارت دارم عرض کنم .

**نایب رئیس** - بعد از آقای معزز الملک بفرمایند آقای معزز الملک .  
**معزز الملک** - اگر چه از فراری که حس کردم آگویا اکثریت مجلس تمایلاتی بانتخابات یک درجه گمی بیشتر باشد ( اغلب تصدیق کردند )  
**معزز الملک** - بله تصدیق آقایان تصور میکنم در این مواد مناظ اعتبار نباشد ولی نظر بساین که وجداناً مجبور می دانم خودم را آن اشکالات را میبینم در انتخاب یکدرجه گمی حاصل میشود و کسی در آینه نگوید که هیچکسی این اشکالات را پیش بینی نکرده بود این است که مجبور نظرات خودم را عرض بکنم اولاً بنده تصور میکنم مسئله انتخابات یک مسئله خیلی مهمیست که حتماً وزراء باید اینجا حاضر باشند بجهت اینکه این پیش بینی برای آینه مملکت است خوب بود آنها حضور میداشتند و نظرات آنها در باب انتخابات معین میشد و در گذراندن قانون انتخابات شرکت میکردند بامقنن و بنده عقیده ام این است که پیش از این که مذاکره قانون انتخابات خودم جمع بشود بوزراء این مسئله ابلاغ بشود و آنها را احضار بکنند از برای اینکه در مجلس حاضر باشند البته هیچ جای شک و شبهه نیست که انتخابات یک درجه مستقیم مغنی متناسب این یک نوع انتخاباتیست که خیلی نزدیک است بحقوق ملی و بهترین انتخاباتی است که ممکنست متصور بشود زیرا که مارا نزدیک میکند بان آرزو و آمال جلب قوای ملی و بهترین فورم مشروطیت این هیچ جای شک نیست ولی چیزی که هست برای رسیدن بهر آرزو و آمالی انسان قبل از آن که اسباب مقدمات را حاضر بکند و فراهم نبودن اسباب و مقدمات بخواهد آن آرزوی خودش را اجرا بکند بطور قطع میشود گفت که عوض نایل بان آرزو و مقصود همیشه نتیجه بر عکس خواهد بود و این دلیلیکه که آقای آفا شیخ اسدالله فرمودند که « محرومیت اکثر » بجهت اینکه ممکن است یک کسی بده هزار رأی انتخاب بشود و یک کسی بینجاه رأی انتخاب بشود و آن وقت هر دو را یک تراز بگذاریم پس معلوم میشود اکثریت محروم شده است و اکثریت محکوم اقلیت شده است این را بنده تصور نمیکنم اینطور باشد بجهت این که اولاً هر قانونی که در دنیا گذاشته میشود نوشته میشود هیچوقت نمیتواند خالی از مایب باشد در هر قانونی حتماً یک مقداری معایب دارد و یک مقداری محسنات دارد و هیچ قانونی جز قوانین آسمانی که البته از این قوانین و این معنی مستثنی است دیگر هیچ مقنی نمیتواند دعوی بکند که من یک قانونی میگذارم که ایرادی بر آن نباشد البته باید معایب و محسنات را سنجید آن وقت هر کدام محسناتش زیادتر باشد آن را قبول باید کرد و اگر بنا باشد حرف محرومیت را بزنیم همیشه اکثریت محروم میشود بجهت اینکه اگر بنا باشد رجوع بکنند باستاتستیک ( احصائی ) خواهید دید آن کسانی که رأی نمیدهند همیشه عده شان خیلی زیادتر است از آنها ای که میدهند پس نباید در اینجا این حرف های مردمی را که محرومیت اکثریت از انتخاب خواهد شد بیان آورده و مذاکره کرد باید دلیل آورد و با

با دلیل رد کرد در انتخاب نمایندگان باید دو نظر باشد یکی اینست که نماینده که انتخاب میشود مظهر حقیقت تمام مولکین خودش باشد این یک نظر است اعم از اینکه مولکین او دارای صفات خوب باشند باید یعنی نماینده که منمکس بکند در خودش تمام صفات مولکین این یک چیز است که ممکن است از یک نماینده خواسته شود دیگر اینکه باید طوری مقنن قانون بنویسد که نمایندگان علاوه بر اطمینان و اعتمادی که از طرف مولکین دارا خواهند بود خودشان هم دارای یک بصیرت و علم و اطلاعی در امور مملکتی باشند بعقیده بنده کلیه در ایران خصوصاً نظر ها اگر بشق اول برود و بگوئیم نمایندگان ایران باید مظهر اوصاف و محسنات و معاوی ملت ایران باشند و آنچه در آنها هست باید آنها هم دارا باشند در تمام جاها خصوصاً در ایران بنده گمان ندارم صحیح باشد بلکه باید سعی کرد و هر دو نظر را گنجائید و باید نمایندگانی که انتخاب میشوند حتی الامکان کسانی باشند ( کالبته ) اولاً مجلس توجه و اعتماد ملت باشند ولی در امور مملکت داری که اطلاعات و بصیرت و تجربه لازم را داشته باشند بجهت اینکه چنانچه عرض کردم این مسئله در ایران مخصوصاً خیلی جالب دقت است زیرا که در سایر جاها اولاً کارهای مقدماتی خودشان را برای راه افتادن امور انجام داده اند و اصول مملکت داری محرز شده است و معین است و تقریباً تزلزل ناپذیر است پس فعلاً در واقع در اصلاح فروع هستند و با وجود سه هیئت در جاهای دیگر است که اینها اعمال یکدیگر را تصحیح و تکمیل میکنند و آن سه هیئت یکی قوه مجریه است و یکی در اغلب جاهای دنیا مجلس سنا است و یکی مجلس شورای ملی است و این سه قوه هم دیگر را تصحیح و تکمیل میکنند ولی بواسطه وقایعی که در این سنوات اخیر پیش آمده است و حقیقتاً شاید هم خوب بوده است بواسطه وقایع تاریخی گذشته طوری شده است که بعد از گرفتن حکومت جدید مرکز تمام قوای دولتی مجلس شوری شده است و هیچ قوه دیگری که بتواند تا یک درجه دخالت در نتیجه افکار مجلس نماید و این قوه را بکند فعلاً موجود نیست پس باین جهت باید خیلی دقت کرد در انتخاب نمایندگان ملت و همانطور که عرض شد یک اشخاصی را باید انتخاب کرد که علاوه بر اعتماد مولکین اطلاع و بصیرتی هم در امور مملکتی داشته باشند و دوباره تکرار میکنم که عجله رسیدن به یک امری ممکن است آن مقدمات آن مرام را هم از میان ببرد البته در وقتیکه مقنن یک قانونی را میگذارد و مینویسد اختلافات مذهبی و نژادی و اخلاقی و بعد مسافت و نداشتن راهها و مدارس و هزار موانع دیگری که در مملکت ما موجود است و در سایر جاهانست و سال ها است که شاید این موانع را مرتفع کرده باشند باید در نظر داشته باشد بعقیده بنده انتخاب یکدرجه گمی اشکالاتی دارد که اقلاً بدون اظهار حسابات و بدون اظهار حرارت اگر آقایان این اشکالات بنده را مرتفع کنند معتقد بیک درجه گمی میشوم ولی دوباره تکرار میکنم بدون حسابات و حرارت بجهت اینکه حسابات و حرارت هیچ وقت

بنده را متقاعد نخواهد کرد بقیه بنده آن محظورات را انتخاب دو درجه بطوری که بنده تصور میکنم تا يك اندازه زیادی رفع میکند و ضمناً این نکته را نباید بعضی از آقایان فراموش بفرمایند که وقتی که میگویند انتخاب دو درجه حتماً همان انتخاب دو درجه باشد که حالا در قانون انتخابات هست ممکن است اگر معایبی تصور است در قانون انتخابات حالیه مرتفع گردد بدون اینکه اساس انتخابات دو درجه گی از میان برود مثلا ممکن است تا یکدرجه اگر بعضی عقیده داشته باشند حوزه ها را کوچک تر کرد یا آنکه بر عده منتخبین درجه اول افزود و این قانون حالیه را تصحیح کرد معلوم است در انتخابات دو درجه گی ( اگر چه آقای حاج شیخ اسدالله پیش از آن که کسی اظهار بکنند رد کردند ولی بقیه بنده اگر قدری تأمل شود تصدیق خواهند کرد نمایندگان نخبه میشوند و برای انتخابات دائره وسیع تر است و ممکن است که يك عده که سابق هستند از میان تمام منتخبین درجه اول منتخب شوند و این نکته که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که اگر يك کسی در انتخاب درجه اول قلب کرد پس بطریق اولی در درجه ثانیه میتواند قلب کند این را بنده عرض میکنم که اسم قلب را اینجا نباید آورد بجهت این که ممکن است بدون قلب شخص نالایقی انتخاب بشود و قلب هیچ در کار نباشد و مثلی که اینجا آوردند که ممکن است بینجهت زاری انتخاب بشود تمام نظر بطهران نرود و فراموش نکنند انتخابات گذشته را که در اغلب نقاط یعنی در صنی نود و پنج از انتخابات شما اکثریتشان به صد و صدو پنجاه و دویست و دویست و پنجاه شده است پس هیچ مذاکره در گول زدن نیست مذاکره در سرائین است که هر کس میتواند صدو پنجاه رأی راتهی نماید البته وقتی که کسی دانست که مرحله دیگری در پیش نیست آنوقت او بدون تزلزل و ملاحظه میتواند تهیه برای خودش بکنند و آنجا بیاید بر مرکز چنانچه تجربه هم با نشان داده است وقتیکه دید يك عقیه دیگری در پیش است و باید برود بر مرکز حوزه انتخابیه و آنجا دوباره يك امتحان دیگری را بدهد حتی الامکان خود آن شخص در این خیال نخواهد بود یعنی کسیکه بداند معایبی دارد و يك ترتیبی است که سایرین تصدیق لیاقت او را نخواهند کرد من تصور میکنم که خودش بواسطه خجالت برگشتن هم که باشد این اقدام را نکند و علاوه بر این فرض بفرمائید يك حوزه انتخابیه است و يك عده منتخب درجه اول دارد مثلا يك عده شهر های خراسان منتخب درجه اول دارد وقتی که آنها منتخبین درجه اول خودشان را میفرستند اگر بگوئیم باید که اینقسم منتخبین را مستقیماً بر مرکز بفرستند باید تصور کرد که نظر اهالی این شهرها خواهد رفت بآن کسانی که در میان خودشان هستند و اگر تصور نکنیم که بر فرض نظرشان بهتر های از خودشان برود و اشخاص خوب محل خودشان را انتخاب کنند باز هم همان اشخاص خوب نقاط جزء ممکن است بدتر از منتخبین درجه اول مرکز باشند و وقتی که آمد بر مرکز ممکن است عوض اینکه مثلا در انتخابات يك درجه

یک نفر نماینده از شهر مشهد انتخاب بشود وقتیکه انتخابات دو درجه گی باشد ممکن است از میان منتخبین درجه اول شهر مشهد چند نفر نماینده لایق انتخاب شوند هم محل اعتماد موکلین خودشان باشند و هم اینست که در امور مملکت داری بصیرت و مطلع باشند و آنوقت معین است چنانچه در اغلب جاها هم امتحان شجاعت کرده است آن منتخبین جاهای دیگر با وجود اینکه میتوان گفت خودشان ذی نفع هستند انتخاب میشوند باز هم آن حساب و جدائی با نفوذ یاهر چه دلشان بخواهد بگویند اصلاح بودن آنها را تصدیق بکنند و رأی بدهند پس باین دلیل که عرض کردم انتخابات دو درجه یقیناً نخبه میکند موکلین را و اینجا کلیه از اول این دوره در باب انتخابات دو درجه گی میگویند يك کسی شاید وقتیکه انتخاب میشود در درجه اول دارای آراء زیادی باشد و يك منتخب درجه اول دیگر که عشر آراء او ادارا باشد این دو نفر در انتخاب ثانوی مساوی میشوند و اغلب نظر آقایان گویا یکی دوم مرکز بزرگ میبود ولی بنده چنانکه عرض کردم دوم مرتبه تکرار میکنم که این يك استثنائی است مستثنیات هیچوقت ایراد بر قانون و ایراد بر اساس قانون نمیتواند بشود و يك نکته دیگری هم هست که اگر رجوع بکنیم با انتخابات گذشته گویا جهت این عیب بر ما معلوم بشود تصور میکنم که در انتخابات دوره آتی این عیب مرتفع شود و آن عیب عدم شناسائی بوده در حق همدیگر در زمان انتخابات دوره گذشته و انتخاب کردن فقط بحسن ظن بمعرفی بعضی اشخاص مثلا يك کسی يك کسی را نمیشناخت ولی نظر بحسن ظنی که بن داشت هم بقدر بمعرفی من اکتفاء میکرد و او را انتخاب میکرد و این بجهت بود که ممکن بود این قبیل مستثنیات بیان بیاید و در آن زمان يك نظر دیگر هم بود یعنی پس از آنکه دوره استبداد بر چیده شده بود و حکومت جدید برقرار شده بود یگانه نظریکه با افراد این مملکت میرفت و نه فقط برای وکالت بلکه برای هر کاری یگانه شرطی که میشود گفت تقاضا میکردند از یکدیگر فقط همان مشروطه خواهی آنها بود در صورتیکه حالیه چند چیز دیگر هم بر این شرط علاوه گردیده و مسالکی ایجاد شده است خود مشروطه خواهان را بدبختانه یا خوشبختانه هر چه هست جوقه جوقه کرده است و حالا برای انتخاب نمایندگان فقط مشروطه خواهی کافی نیست از او يك عقاید سیاسی میبرسند و يك چیزهای علاوه تقاضا میکنند یعنی آن چیزیکه در زمان اول و در انتخاباتیکه در دوره اول شد وجود نداشت و در این دوره آنچه های را که عیب میدانند دیگر کمتر تکرار خواهد شد چون محسنات درجه دوم را گفتیم که مردمان نخبه و بصیر و اشخاص لایقی انتخاب خواهند شد پس بهمین جهت در انتخاب يك درجه گی يك اشخاص متنغذی و یابك اشخاص بی اطلاعی را انتخاب خواهند کرد يك جهت دیگر هم هست که میگویند در انتخابات دو درجه گی اغلب از انتخابات محروم میشوند بقیه بنده در انتخاب يك درجه عملاً بیشتر محروم خواهند شد و در انتخابات دو درجه گی ممکن است اهالی زیادتر شرکت بکنند اگر چه این عرض من شاید قدری بنظر غریب میآید لیکن پس از آنکه توضیح

دادم شاید واضح شود در اینجا يك مسئله عمده که باید حل شود عده نمایندگان خواهد بود و در انتخابات يك درجه گی ممکن است آن محرومیت بواسطه زیاد کردن عده نمایندگان مرتفع بشود شرط زیاد کردن عده نمایندگان آنوقت آن محرومیت تا يك اندازه بحسب ظاهر از میان میبرد مثلا اگر بعوض (۱۲۰) نفر (۱۶۰) نفر یا زیادتر نماینده بدهند آنوقت عیب محرومیت مرتفع میشود ولی با (۱۲۰) نفر در انتخاب يك درجه گی اغلب از نقاط از انتخابات محروم خواهند شد حالا باید دید که آیا صلاح است که بر عده افزوده شود یا خیر بقیه بنده افزودن بر عده نمایندگان معایبی که دارد که محتاج بذکر نیست واضح اینست که بر عده افزوده شود ولی در صورتیکه انتخابات دو درجه گی باشد اینطور نیست بجهت اینکه ولو اینکه نمایندگان تمام نقاط هم بمجلس نمی آیند ولی باز در انتخابات نمایندگان با هم شرکت می نمایند مثلا فرض بکنیم که (۱۲۰) نفر نماینده که در مجلس دارید و به اینطوریکه در نظامنامه انتخابات فعلاً مقرر است رفتار نمایند تقریباً به (۳۶۰) نقطه شما شرکت داده اید در انتخابات در صورتیکه اگر انتخابات يك درجه گی باشد شما نمیتوانید به (۳۶۰) نماینده ایران رسید یقیناً آن عده را که شما حق نمیدهید عده آنها بیشتر خواهد بود محرومیت یکدرجه آزدو درجه گی در انتخابات زیادتر خواهد بود و اگر شما عده را خیلی زیاد بکنید و بگوئید حالا دیگر انتخاب يك درجه گی است البته باید حقوق ملی محفوظ باشد این خیلی خوب است ولی باین فلسفه و این ترتیب دیگر نمیتواند بگویند که ما (۱۲۰) نفر وکیل میدهیم و مجبور هستند که عده را خیلی زیاد بکنند که اغلب نقاط را از انتخابات محروم نکنند آنوقت عده بتقریبی که در کمیسیون انتخابات معین شده است میرسد تقریباً به (۱۶۰) نفر و برای اینکه مجلس بتواند منعقد شود باید (۸۱) نفر حاضر باشند در مرکز تا اینکه اکثریتی که ممکن است مجلس را تشکیل بدهد حاصل شود و یقیناً آن کسانی که مخالف با انتخاب دو درجه گی هستند تصدیق خواهند کرد که انتخاب دو درجه گی و برای رسیدن نمایندگان بر مرکز بهتر است و با وجود این از خود نمایندگان محترم بنده میبرسم که بعد از فتوحات ملی بعد از آن جوشش حسابات ملی هنوز يك ربع از نمایندگان حاضر نشده اند و در دوره آتی آیا عده لازم تا چند مدت در مرکز حاضر خواهند شد که شما بتوانید که مجلس شورا تشکیل بدهید در صورتیکه در انتخابات دو درجه گی اینطور نیست زیرا که در انتخابات دو درجه گی پهر حوزه انتخابیه حق انتخاب عده معین منتخب درجه اول میدادند و از مرکز حوزه بنقاط جزء حوزه انتخابیه ابلاغ میشد که اگر تا آنقضای مدتی که معین شده است منتخبین خود را نفرستند در آن دره حق انتخاب از آنها ساقط خواهد شد آنوقت این مسئله عملاً اسباب تشکیل کار میشود بجهت اینکه يك مجلسی که حق انتخاب ۴۵ نفر منتخب درجه اول را دارد اگر عده نفر از آنها حاضر شوند یعنی از ده نقطه از يك حوزه انتخابیه شرکت در انتخابات نمیکردند و منتخبین خودشان را نمی فرستادند ۳۵ نفر که همیشه حق دارند تمام نمایندگان آن محل را انتخاب کنند و خود این مسئله اسباب تسهیل کار میشود و اسباب این میشود که نمایندگان زودتر حاضر شوند

و رودتر بیایند بر مرکز ولی حالا وقتیکه انتخاب هر محلی را مستقیماً بخودش واگذار کردند و گفتند که هر کس خودش نماینده آنرا تعیین بکند و بفرستد باینست که یک عده از جاهای نامنظور که در دو درجه گی میفرستادند و نقاطیکه در انتخابات دو درجه گی درجه اول خود را نمیفرستادند حالیه نمایندگان خود را نخواهند فرستاد در این باب يك درجه گی خواهند فرستاد و متأسفانه عده از نمایندگان که بر مرکز می آیند کافی نخواهد شد برای افتتاح مجلس شورای ملی و اگر چه تصور میکنم که این ترس بنده بعد ها باید ثابت شود یعنی بعد از هفت هشت ماه بعد ولی بنده از حالا پیش بینی می کنم که در عرض ۱۴ میزان یا قدری دیرتر که مجلس شورای ملی باید افتتاح بشود مترسم عوض یکقدم پیش رفتن ده قدم عقب بمانیم و عده کافیه برای تشکیل مجلس شورای ملی حاضر نباشند يك مسئله دیگر هست که در انتخابات يك درجه گی از خود عملیات انتخاب هم محرومیت بعضی نقاط زیادتر است بجهت اینکه نمیتوان گفت که تمام شهرها و تمام قصبات ایران جاهائی هستند که حتماً يك مقیاس انتخاب جمعیت ۱۰۰۰۰۰ نفری در آنها موجود است و بهر نقطه میتوان گفت که تو خودت نماینده ات را انتخاب بکن و بفرست و از طرف دیگر در انتخابات هم باید يك مقیاس عملی در دست داشت و لابد آن مقیاس عملی چنانچه در تمام جاها معمول است جمعیت است یعنی هر صد هزار نفر حق داشتن يك نماینده را دارند حالا بعضی جاها کمتر است بعضی جاها مقیاس پنجاه هزار است بعضی جاها ترتیبات دیگریست ولی آنچه که در ایران هست و تاکنون تا اندازه معمول بوده است صد هزار نفر مقیاس داشتن حق انتخاب یک نفر نماینده خواهد بود و تصدیق خواهید فرمود که چند هزار نفر در تمام جاها در يك مرکز محلی هیئتی جمع نشده اند که بتوانند بطور سهولت یک نفر نماینده انتخاب بکنند لابد اینها متفرق شده اند در نقاط مختلفه که در اغلب جاها مسافت زیادی هم ما بین آنها موجود است و وسائل رسیدن بهم دیگر را ندارند و آنوقت آن نکته که میفرمایند در هر جا ممکن است انتخاب جدا گانه بکنند و صندوق رأی بفرستند و حتی استخراج آراء هم در همان نقطه بکنند و آنوقت نتیجه را در يك جا جمع بکنند اینهم بحسب ظاهر خوب بنظر نمیرسد ولی يك اشکالی بنظر بنده دارد یقیناً وقتیکه پنج نقطه مملکت که حق انتخاب يك نماینده را دارند و جدا جدا اگر بخواهند انتخاب بکنند و حتماً جدا جدا هم مجبورند که انتخاب بکنند کسانی که در يك جایی مسکن دارند که از جای دیگر بیست فرسخ مسافت دارند نمیتوانند بیایند در یکجا انتخاب نمایند مجبورند جدا جدا انتخاب نمایند آنوقت میباید تصور کرد که هر يك از این نقاط یک نفر از ما بین خود برای نمایندگی انتخاب خواهد کرد آنوقت با باید معتقد شویم هر کدام اکثریتش بالنسبه زیاد تر است همان نقاط است و بقیه قیاس بکنیم بيك عده که در يك شهری انتخاب شوند و بگوئیم ممکن است تمام مردم يك شهری در حق یک نفر همه متفق باشند و بيك نفر رأی بدهند و این کسیکه اکثریتش زیاد تر است نماینده ملت است در صورت این تصور در باب نقاط مختلفه که باید یک نفر نماینده انتخاب بکنند عملاً

مشارکت در انتخابات نخواهند کرد بجهت اینکه نقاطی که نمیتوانند در یکجا جمع بشوند و يك نماینده انتخاب بکنند آنرا بطریق اولی انتخاب یک نفر را غیر از محل خودشان تصدیق نخواهند کرد معتمد نخواهند دانست و هیچوقت آن نماینده که از آن نقطه انتخاب شده است محل اعتماد چهار نقطه دیگر که آنها هم باید شرکت در انتخاب بآن یک نفر نماینده میکنند نخواهد شد و محرومیت آنها زیاد تر خواهد بود بجهت اینکه در انتخابات دو درجه گی اقل سه نفر منتخب درجه اول بودند که از نقاط مختلفه می آمدند در مرکز يك حوزه انتخابیه و بواسطه دادن رأی در باره یک نفر شرکت در انتخابات می کردند و همینقدر در این انتخابات شرکت میداشتند که منتخب درجه اول بفلان محل در انتخاب فلان یکدرجه باشد آن رشته اتصالات از بین میبرد و اختلافات میان میآید هر نوع اختلافاتی می خواهد باشد اختلاف نزادی - درسی - اخلاقی ولی آن پنج نقطه که نمیتوانند یکجا جمع بشوند که يك نماینده انتخاب بکنند پس از انتخاب نماینده از یکی از آن نقاط آن چند نقطه دیگر یقیناً بدانید که سلب اعتماد خودشان را از آن نماینده خواهند کرد و بهمان مقصودی که میخواهند سعی بکنند که نماینده مستقیماً از طرف ملت انتخاب شده محل اعتماد موکلین باشد و عملاً نتیجه برعکس خواهند برد و شاید این فرض من (پارا اوکی) بنظر آقای حاج رضا خان میاید ولی با وجود این اگر يك قدری بهتر دقت و ملاحظه بفرمایند خواهند دید که همینطور است و عوض این که رفع اختلافات را بکنند اسباب اختلافات را زیاد خواهد کرد پس بدلائی که عرض کردم دلایل دیگری هم نیست چون اسباب تصدیق آقایان خواهد شد بهمین ها اکتفا میکنم و عرض میکنم که انتخابات باید دو درجه گی باشد دوباره تکرار میکنم که نظر هابناید برود بقانون انتخابات حایه و ممکن است انتخابات دو درجه گی باشد و قانون انتخابات اصلاح شود بعضی ها معتقدند بيك ترتیب ثابتی که تفصیل باشد و میگویند انتخاب به تفصیل خوب است یعنی بعضی از نقاطیکه ممکن است یکدرجه گی و در سایر نقاطیکه ممکن نیست دو درجه گی رد و قبول این پیشنهاد یکدرجه و دو درجه معلوم شود آنوقت در باب تفصیل مذاکره شود.

**معزز الملک** - باید اول در این شق حرف بزنند بجهت اینکه آنها بیکه معتقد به تفصیل هستند باید آنها متقاعد شوند بعد حالا که اینطور شده است خیلی خوب و بهمان دلالی که عرض کردم عقیده بنده این است که باید انتخابات دو درجه باشد و دوباره تکرار میکنم و استدعا میکنم که نظریات نمایندگان محترم را باین نکته جلب میکنم که به تصور دو قدم پیش افتادن ده قدم پس نروند و در انتخابات یکدرجه گی بنده یقین قطع دارم که عده که کافی باشد برای اکثریت و تشکیل مجلس تا پنج شش ماه و یا مدت زیادتری در مرکز حاضر نخواهند شد و اگر هم حاضر بشوند تصور میکنم اگر چه نمیخواهم بتمام نمایندگان آتی جسارت کنم ولی تصور میکنم

که يك کسانی باشند که صلاحیت مملکت در انتخاب آنها نباشد.

**نایب رئیس** - این مسئله اولاً عرض میکنم که کمال اهمیت را دارد امروز مذاکرات ما ختم نخواهد شد بجهت اینکه نصف نمایندگان اجازه خواسته اند و این اجازه ها برای جلسه دیگر محفوظ باشد و همه مذاکرات خودشان را بکنند و هر کس هر مذاکره دارد بکند تا ختم بکنیم مذاکره را و رأی بگیریم پس باید بطور صحیح هر کس که يك اظهاری دارد بکند تا این ۴ مرعات حق همه شده باشد ولی در ترتیب مذاکره عقیده بنده این است که چون انتخابات یکدرجه پیشنهاد شده است باید آنرا مآخذ قرار داد در مخالف و موافق آن باید مذاکره کرد همینکه آن رد شد بعد در دیگری مذاکره کنیم تا یکی از اینها اگر مرتب نشد آنوقت در باب اصلاح تفصیل يك درجه و دو درجه.

**بجهت** - این اولین روزی است که به ترتیب اساس مشروطیت شروع میکنم تا بحال دودهمه شروع شد بترتیب اساس مشروطیت یکدفعه در همان ابتدائی که اعلان مشروطیت شد که زمان مرحوم مظفر الدین شاه بود و چون ترتیبش منظم نبود و لازم بود یک عده بطور فوریت انتخاب بشوند که زمامدار امور مردم و حکومت ملی بشوند از آن جهت بود که آقایانیکه در اینجا تشریف داشتند میدانند که بر چه عجله نظامنامه انتخابات نوشته شد حتی هما و کلاه طهران که شصت نفر بودند حکم و کلاه عموم را داشتند و بحضور آنها مجلس افتتاح میشد تا اینکه و کلاه سایر جاها حاضر شوند و انتخابات هم صنفی بود و بعد هم که آن ترتیب تغییر داده شد در دوره استبداد صفر بود آنهم در يك زمانی که هیچ ممکن نبود اهالی بهم دیگر يك ارتباطی پیدا بکنند که نظریاتی در آن بکنند مگر اینکه نظرات خودشان را با نجن ابائی آذر بایجان دادند و یک چیزی نوشته شدند هر صورت بقیه بنده اساس مشروطیت همین قانون انتخابات است و از اینجا ترتیبات مشروطیت شروع میشود و اگر ما موقفتی پیدا بکنیم باصلاحات از همین نقطه است و آنچه هم که عقب مانده ایم در ظرف این چهار سال بواسطه همین بوده است که خشت را آن اشخاصیکه برای ما ترتیب اساس مشروطیت را دادند از ابتداء کج گذاشتند بنده طرفدار حکومت ملی هستم نه اینکه فقط مطیع حکومت ملی باشم یعنی خودم یکی از اشخاصی هستم که قیام کرده ام برای یادداشتن حکومت ملی و امروز خیلی خوشوقتم از اینکه موفق شدم باینکه مذاکرات بکنیم به ترتیب حکومت ملی و اینکه چطور باید ترتیب حکومت ملی را بدهیم حکومت ملی را هم البته همه آقایان میدانند که عبارت از این است که تمام قدرت حکومت در دست یکدسته از اشخاصیکه نماینده ملت هستند جمع میشود و البته معلوم است که در انتخاب آنها هم اکثریت مناط اعتبار خواهد بود و اکثریت هم با انتخابات مستقیم و نزدیک تر است بجهت اینکه بدیهی است که اگر انتخابات مستقیم و يك درجه نباشد ممکن است آن منتخبین درجه اول که هر یکی صد رأی درباره آنها داده شده باشد و در باره يك نفر هزار رأی و در انتخاب درجه دوم آن يك نفری که هزار رأی درباره او داده شده است مغلوب





خودم بفهمم و آقایان هم درست ملتفت شود مراد آقایان از اینکه در انتخاب یکدرجه بعضی شرکت نخواهند کرد اینست که انتخاب دو درجه که شدم تمام مردم شرکت خواهند کرد ولی در انتخاب یکدرجه که چیز بدبختی شده است بعضی ها محروم میشوند محرومیت مردم دو قسم است یکی محروم کردن هست مردم را که مابانها حق انتخاب ندهیم این خلاف مشروطیت است یکی آنست که این شخص نیاید حق خودش را بگیرد نیاید انتخاب کند این ربطی بمانداری قانون گذار او باید قانون را بطوری که سایه انداز باشد تمام علی السواء باید بطوری قانون وضع کند که تمام اهالی در تحت آن قانون علی السواء باشند و هیچکس از سایه او خارج نباشد حالا اگر یک کسی رفت خودش را از تحت تابعیت ایران خارج کرد و از حق انتخاب محروم شد این ربطی بقانون ندارد اورفته است خودش را بجهنم انداخته است بکسی مربوط نیست نرود خودش را بجهنم نیندازد و بمجلس شورای ملی چه او خودش میکند بکند منکه قانون میگذازم جلوگیری از گناه مردم هم باید بکنم بمن چه من باید در قانون گذاری طوری بکنم که مردم محروم نشوند حالا مردم خودشان خودشان را محروم میکنند بمن چه دخلی دارد - حالا آمدم سر مطلب محروم کردن مردم خودشان را در انتخاب یکدرجه یا دو درجه مساوی است هیچ تفاوتی ندارد باین معنی که قانون گذار اعلان انتخابات را داد مردم را در این اعلان از حق انتخاب بهیچوجه محروم نکرد نه در انتخاب یکدرجه نه در انتخاب دو درجه حالا کسی خودش نیاید انتخاب بکند و رأی بدهد این ربطی بانقلاب یکدرجه و دو درجه ندارد فرض میکنیم انتخاب هم دو درجه است مردم وقتی که حاضر نشدند انتخاب بکنند و رأی بدهند باین درجه چه فرق دارد هیچ فرق ندارد بلکه بنده عکسش را می تدم که در انتخاب دو درجه بعضی محروم میشوند در انتخاب یکدرجه محروم نمیشوند جهش هم واضح است یکی از آقایان در محسنات یکدرجه اظهار کرد و خیلی خوب دلیلی هم بود که در انتخاب یکدرجه بعضی اشخاص با آراء کثیری انتخاب میشوند آنها که این اشخاص را انتخاب کرده اند آن را وکیل خودشان قرار داده اند وقتی که او بمجلس نیاید تمام آنها محروم شده اند از حق که داشته اند بواسطه انتخاب دو درجه که بمیان آمد انتخاب دو درجه به آنها شمشیر کشید و به آنها گفت اول فلان فلان شده ها شما این را وکیل کردید من میگذازم او بیاید بمجلس وکیل شما باشد این انتخاب دو درجه استیفاء کند بایستد بروی مشروطه خواها بگوید من میگذازم شما بمجلس وارد شوید اما در یک درجه اینطور نیست شمشیر هم نکشید هر کسی را که مردم بقاعده انتخاب حقشان را از آنها گرفتند و در نکرند و شمشیر نکشیدند که چرا این را انتخاب کردید و خود یکسر بمجلس میاید و کسی هم نمی گوید که چرا تو آمدی این مثل این است که انتخاب دو درجه محروم میکند موکلین را حالا یک اشکالی هم اینجا دارم و او را گذاشتم و نمیگویم یک اشکال آقایان هم بعدم مسئولیت انجام عمل انتخابات بود در یک درجه گفتند در انتخاب

یک درجه آسان نیست و در انتخابات دو در درجه آسان است من نمیدانم دوبله رفتن آسان تر است یا یک پله رفتن آسان است این محسوس است و انکار این انکار حسیات است لیکن اینها که میگویند آسان تر است انتخاب دو درجه از انتخاب یک درجه از این جهت گفتند که بعضی جاها در انتخاب دو درجه زیاد میکنیم مثل در پنجاه فرسخی آنها انتخاب میکنند و در درجه اول یک نفر را او میاید بر مرکز حوزه انتخابیه بنده عرض میکنم این خودش یک مشکل است که در پنجاه فرسخی یک نفر را انتخاب بکنند آنوقت او تازه بار به بندد و این مسافت را طی بکند و بیاید بر مرکز حوزه انتخابیه تازه برای یک انتخاب دیگر و این زحمتش در مقابل دو پله نشد در مقابل ده پله شد اما بنده عرض میکنم این زحمت رانکشدند و آسان تر بکنند که از آنجا مستقیماً بیاید بر مرکز آنقدر کوچک بکنند حوزه انتخابیه را که رأی دهندگان بصد هزار نفر برسند آنوقت حق انتخاب یک نفر دارند و آن یک نفر مستقیماً می آید بر مرکز و این هیچ سختی ندارد و خیلی آسان تر است از دو درجه یکی هم آقا فرمودند که در صورتی که یک درجه شد باید عده نمایندگان را زیاد کرد بنده عرض میکنم زیاد کردن و کلاء موقوف بعده نفوس مملکت است مگر هر مملکتی که عده نفوسش کم هم باشد و انتخاب آنجا یکدرجه باشد عده و کلاشان زیاد میشود و اگر انتخابات آنجا دو درجه شد عده و کلاشان کم میشود ابداً اینطور نیست ما بعده نفوس تقریباً میخواهیم حق تعیین نماینده بدهیم ب مردم اگر عده نفوس زیاد بود نماینده زیاد میشود چه در یک درجه چه در دو درجه فرق نمیکند باندازه هر صد هزار نفر یک نماینده باید انتخاب کنند اگر عده و کلاء کمتر است از هر صد هزار نفر یک نفر باید آنوقت عده و کلاعا زیاد بکنیم چه انتخابات را یکدرجه قرار بدهیم چه دو درجه قرار بدهیم حالا در صورتیکه عده اهالی مملکت بقدری شده که بهر صد هزار نفر که حق یک وکیل دادیم عده نمایندگان ما بدویست نفر رسید و انتخاب یکدرجه شد آنوقت مردم همین دویست نفر را انتخاب میکنند و میفرستند بمجلس اما اگر انتخاب را دو درجه قرار دادیم باید بعوض دویست نفر حق انتخاب هزار نفر ب مردم بدهیم در درجه اول که دویست نفر از آنها دو مرتبه انتخاب شوند و بمجلس بیایند در این صورت مردم را گول میزنیم میگوئیم شما حق انتخاب هزار وکیل دارید وقتی که آنها هزار نفر نمایندگان خودشان را منتخب کردند و فرستادند آنوقت نه صد نفر یا هزار نفر از آنها را بشمشیر دودرجه باز بیرون میکنیم آنوقت آنها حق دارند بگویند شما چرا ما را گول زدید ما گفتید هزار نفر انتخاب کنید وقتی که ما و کلاء مان را فرستادیم بر مرکز آنوقت اینها را بر گردانید معلوم میشود اینها وکیل مان بودند پس شماها را گول زدند باری با اینهمه معایب باز عرض میکنم زیاد کردن و کم کردن و کلاء موقوف است بآن اندازه عده نفوس که بآن اندازه باید وکیل بگیریم و این تفاوت نمیکند چه یک درجه باشد چه دو درجه باشد منتهی اینکه در دو درجه هزار نفر اول تعیین میکنیم وبعد از آن هزار نفر

دویست نفر را می آوریم بمجلس و در یکدرجه همان دویست نفر را که تعیین میکنیم ملت همان هار ا تعیین و انتخاب میکنند و همانها می آیند بمجلس می نشینند وکیل مردم هم هستند حالا بنده از دلیل ششم و هفتم آقایان هم چون وقت گذشته است اغماض میکنم که تشریح بکنم و جواب آنها را هم بگویم و کلام خودم را تمام میکنم .

**نایب رئیس** - بقیه شور این ماده مجلس آتیه **دکتر حاج رضا خان** - پس اجازه ها باید محفوظ بماند .

( نایب رئیس محفوظ است دستور جلسه آتیه بقیه شور در نظامنامه انتخابات و رایورت کمیسیون بودجه راجع بحسن خان مجاهد است .

**نایب رئیس** - در این موقع که پنج دقیقه بعد از ظهر است حرکت کرده مجلس ختم شد ( مقابله شد صحیح است محل امضاء )

۲۶۸۹۳۸۶

**صورت مشروح روز سه شنبه ۷ شهر رجب ۱۳۲۹**

مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس تشکیل شد آقای میرزا ابراهیم خان صورت جلسه قبل را قرائت کردند .

غائبین بدون اجازه - آقای ناصر الاسلام - آقا شیخ حسین یزدی - آقای حاج امام جمعه آقا سید حسن مدرس .

غائب با اجازه - آقای دکتر امیرخان و آقای میرزا علی اکبر خان نیمساعت بعد از وقت مقرر حاضر شدند .

**نایب رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ **بهجت** - چون در جلسه گذشته در باب انتخاب مستقیم بنده یک پیشنهادی کردم و قرائت شد خوبست در صورت مجلس هم قید شود

**نایب رئیس** - دو پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای بهجت و یکی از طرف آقای حاج شیخ اسدالله هر دو قید میشود ملاحظاتی دیگری نیست؟ ( اظهاری نشد - صورت مجلس تصویب شد )

**نایب رئیس** - چون در این چند روزه اقامت آقای سپهدار اعظم بدولت تلگرافی رسیده بود که لازم بود جواب آنها داده شود لذا رجوع شد به کمیسیون عرایض و کمیسیون عرایض جوابی نوشته است که قرائت میشود اگر صلاح بدانند همان متخا بره میشود ( عبارت ذیل قرائت شد ) :

سیم شهر رجب المرجب ۱۳۲۹ - در جواب تلگرافات انجمن ولایتی گیلان نوشته میشود اولاد خصوص حرکت آقای رئیس الوزراء همانطور که اظهار فرمودند حرکت ایشان غفلة و تاکنون حکمت آن معلوم نگشته ثانیاً در مسئله عدم مساعدت مجلس با حضرت معظم له این مسئله بکلی اشتباه و نا روز حرکت ایشان کمال موافقت در حفظ و سهولت اجرای مقاصد کابینه ایشان شده و هر گاه موازینی در اجرای امور مملکتی داشته اند بهتر آن بود که قبل از حرکت اظهار و رفع آن را در خواست نمایند و حالیه هم چنانچه مکرر از مقامات لازمه تلگراف بایشان شده و استعفای ایشان هم پذیرفته نشده و از